



نگاهی به تابلوی «جواد الشهید» حسن روح الامین

# امید به کرم جواد ولایت

۵

گزارشی از میزان فروش در فصل اول سال

## بهار ۲۶۵ میلیاردی سینما

۱۰

در نشست خبری هفتمین جشنواره تلویزیونی مستند عنوان شد

## جشنواره‌ای به رنگ مستندهای اجتماعی

۶

درنگ

بهمن لواسانی | گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به تابلوی «جواد الشهید» حسن روح الامین  
امید به کرم جواد ولایت

هنر ایرانی- اسلامی، نگاه خود را به شریعت و بیانگری و بازنمایی اخلاق و اندیشه‌های نبوی و ائمه معصومین(ع) قرار داده و سراسر هنر ایرانی پر از جلوه‌هایی از حقیقت زنده این خاندان گرامی است. از آغاز تمدن اسلامی تا همین امروز، هنرمندان بسیاری رسالت خود را در بازنمایی کرم خاندان امامت قرار داده‌اند تا با ارائه خصایص اخلاقی امامان(ع)، در راه رسیدن به حقیقت اسلام ناب محمدی چراغی بر سر راه پیروان قرار دهند.

حسن روح الامینی یکی از این هنرمندان است که در عین جوانی سال‌هاست که هنر خود را در راه روشنگری راه امامان همام قرار داده و در فواصل مختلف بر اساس مناسبت‌های مذهبی، تلاش می‌کند از هنر خود برای بازنمایی کرامت معصومین گام بردارد.

این هنرمند در سالوز شهادت امام جواد(ع) تابلوی نقاشی باعنوان «جواد الشهید» با موضوع شهادت امام نهم شیعیان(ع) در ابعاد ۱۴۰در ۱۰۰ سانتی متر با تکنیک رنگ روغن روی بوم ارائه کرده است. روح الامین در این اثر لحظه شهادت امام جواد(ع) را به تصویر درآورده که کیوترانی گرداگردین شریف این امام به پرواز درآمده‌اند. استفاده از کیوتران سفید در این اثر نشانه‌ای است که مخاطب را به ارجاعاتی آشنا از کرم امام نهم شیعیان پیوند می‌زند.

پرواز این کیوتران در کنار پیکر منزله امام، تداعی‌کننده پرواز روح بلند امام جواد(ع) را بازنمایی می‌کند و اشاره‌ای دارد به تصویر آشنای ایرانیان از کیوتر که پیوند ناگسستنی با کیوتران حرم شریف امام(رضاع)، پدر بزرگوار امام جواد(ع) دارد. گویی این کیوتران حلقه وصل این پدر و پسر هستند که در دوران خفقان حکومت عباسی در غربت زیست کردند و به راهنمایی مسلمانان همت گماردند.

دانه خوردن برخی از این کیوتران در کنار پیکر مطهر امام نهم(ع) نیز تداعی‌کننده لقب امام جواد(ع) است؛ زیرا امام جواد(ع) به دلیل کثرت بخشش و احسان به این لقب در میان شیعیان شناخته می‌شود و نشان دهنده آن است که کرم امامان شیعه پس از شهادت نیز ادامه دارد.

محمد بن علی بن موسی، امام نهم شیعیان که در آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ قمری در ۲۵ سالگی مسموم شد و به شهادت رسید، در میان امامان شیعه، جوان‌ترین امام هنگام شهادت بود و روح الامین نیز تلاش کرده در بازنمایی از پیکر این امام در اثر خود این موضوع را با داست و پای امام جواد بازنمایی کند. کوزه شکسته در این اثر نیز اشاره به نوع شهادت امام جواد(ع) دارد که به دلیل مسمومیت به شهادت رسیدند.

در تابلوی جواد الشهید، زیست ساده امام جواد(ع)، غربت و مظلومیت امامان شیعه، نحوه شهادت، استفاده از نشانه‌های تصویری آشنای ایرانی و بازنمایی مقبره‌های امامان شیعه در کاظمین به خوبی تصویری حزن‌انگیز و قابل درک را پیش روی مخاطب قرار داده است.

بخش اول

## حکمرانی و سریال‌های تلویزیونی



جمهوری اسلامی از ندیده گرفتن جدی اتاق فکر منظم و استراتژیک و فراتر از دوره این و آن مدیر چشیده و چگونگی سرمایه‌های عظیم تلف و طعمه رفتارهای رفاقتی و رانت خوارانه شده و صرف تولید آثار مبتذل یا برنامه‌ها و سریال‌های اتفاقی قوی و مؤثر، در خدمت تفکر غیراسلامی و غیرانقلابی گشته است. مدیریت ظاهر در دست نماینده انتصابی ولی فقیه بوده و سریال‌ها در مسیر رشد ابتذال و دست کم در گسست از مسائل میرم و نیازهای ملی، منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی ساخته شده‌اند!

مسائل کلان ملی در قاپ جادویی

اکنون دوسه سال است که زندگی سیاسی ایران و مسائل کلان ملی و توطئه‌های ضد امنیتی پس از سال‌ها اعتراض درخصوص بی‌توجهی به ساخت سریال‌هایی از این دست بر صفحه تلویزیون تماشا می‌شود که اتفاقاً سریال‌های برپیننده بوده‌اند مثل گانددو. اما در همان زمان به سبب فقدان یک نظام طراحی، ما با هجوم انواع سریال‌هایی از این دست مواجه بوده‌ایم که اتفاقاً راه تخریب و اشباع ذائقه تماشاگر و ایجاد دلزدگی است. این تفریط و افراط آن را از نتایج همان غیاب یک کانون تفکر و تعیین هندسه معقول ضرورت‌های توان دانست که خداکند این ساختاردهی تازه با همه جوانب سنجیده و کارآمد عمل کند. مثلاً ما هنوز حتی از دیدن یک سریال هنرمندانه، تأثیرگذار و آگاهی‌بخش و ارزشمند الف، درباره وضعیت و مسائل کلان منطقه‌ای و نقش شیطان بزرگ در سطوح جویی، نفوذ، کشتار مسلمانان، اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی که ضمن داستان جذاب تصویری، جهانی از اوضاع ستمگرانه و حکومت فاشیستی مسلط بر فلسطین و ایران و تجاوزات آمریکایی در عراق و سوریه و افغانستان و لبنان و یمن را مرتبط با هم بسازد و اسناد محکومیت جنایت‌ها و مداخلات‌شان را عمومی کند و در اختیار مسلمانان منطقه، جهان و مستضعفان و انقلابیون تحت ستم قدرت‌ها قرار دهد، محرومیم. روایت ظلم هولناک در ترازذی‌ها و حماسه‌های سوریه، یمن، افغانستان، فلسطین و... ظرفیت دراماتیک بکثا دارد. چه فایده پس از سقوط آمریکاتازه این آثار ساخته شود؟

برآئیم که افشای بحران‌های اخلاقی جهان دین ستیز، آزارهای جنسی در مدارس، خانواده‌ها، رسانه‌ها، نهادهای هنر، فرهنگ و سینمای غرب، گزارش‌هایی که فضای مجازی مشحون از آنهاست در همه زمینه‌ها فقط زمانی ارزشمند است که ما آنها را در متن درک نظری، تفکر، تدبیر اسلامی، معرفت و شناخت ریشه‌ای برای حل معضلات ساختن جامعه سالم و در خدمت آن به کار گیریم و نه همچون یک منبع ژورنالیستی نفی رقیب، در حالی که خود در امور مشابه دچار اغتشاش و نابه‌سامانی و فقدان شناخت ژرف و تئوریک و چارچوب‌های ژرف فکری و عمل سازمان یافته اصلاحی هستیم.

زاویه دید

احمد میراحسان | گروه فرهنگ و هنر

موضوع ساماندهی ساختن فیلم و سریال همچون جزئی از ابزار نرم حکمرانی فرهنگی، نسبیتش با حکومت در نظام اسلامی و نسبت آن با فعالیت حکومت و بخش خصوصی و غیردولتی و حد آزادی و رقابت در این عرصه و معنای مردمی آن و استفاده همه نیروها، حتی آنان که علاقه‌ای به کار با بخش حکومتی شبکه‌های تلویزیون ندارند و مایلند در چارچوب قانون، آزادانه فعالیت کنند، مسائل جدی سازماندهی و اداره سریال سازی تلویزیونی در ایران امروز است. اکنون بیستم بر فعالیت تلویزیون جمهوری اسلامی در این باره متمرکز است و البته چه در ایران و چه در غرب و آمریکا حتی سریال کانال‌های خصوصی جزئی از سیاست حکمرانی و نشر ارزش‌ها و بنیان‌های اعتقادی وایدئولوژیک دولت و ملت مدرن را در برمی‌گیرد و هرگز امری دلبخواهی خارج از قوانین و نظم گفتار اصلی، رسمی و زندگی به شمار نمی‌آید. البته درک بروکراتیک تصور عقب مانده‌ترین مداخلات مستبد حکومتی را در سر می‌پرواند اما سازمان پیچیده لیبرال دموکراسی کنترل را در بستر قراردادهای فریبیای رقابتی محقق می‌سازد.

رابطه مستقیم رسانه ملی

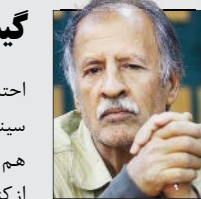
طی شدن دهه‌ها از عمر تلویزیون ملی در ایران که در سوم آن در جمهوری اسلامی سپری شد، همواره رابطه حکومت و اداره تلویزیون، مستقیم بوده و مدیریت آن تحت نظر بالاترین مقام سیاسی و به وسیله ساختار شورایی حکمرانی شده است. این تجربه گویای نکته و تجربه‌ای روشن و عیان است. اگر در دموکراسی غربی رابطه حکومت و مدیریت کانال‌های غیردولتی پیچیده و غیرمستقیم صورت می‌گیرد، در ایران این رابطه مستقیم و شفاف است.

همچنین در تجربه ویژه ما، بنا کردن ساختاری جدید بر اساس روح اسلامی و انقلابی حکومت مطرح بوده که ماجرایی تازه‌ای را سبب شده است. عدم وجود دیکتاتوری در ایران امروز و وجود انتخابات، به روی کار آمدن جریان‌های رقیب سیاسی را منجر می‌شود و هر بار تأثیر کانون‌های قدرت بر تلویزیون محسوس بوده است. البته سیاست تلویزیون مستقل از کابینه‌ها و دولت‌ها (و نه حکومت) و تحت نظر ولی فقیه پیش می‌رود که مستقل از رؤسای جمهور است، اما خود مدیران تلویزیون رها از واقعیات جناحی و رویدادهای سیاسی نبوده و مسلمان سیاست سریال سازی مثلاً دوران ریاست آقایان هاشمی، لاریجانی، ضرغامی، سرفراز، عسکری و جلیلی تفاوت‌هایی داشته است.

بااین همه استقلال نسبی اداره تلویزیون از دولت‌ها امری انکارناپذیر است. پس چرا با وجود این، ما در کار تلویزیون کم و بیش خطاهای بزرگ، عدم درک وظایف میرم، نگرش‌های غیرحرفه‌ای، سطحی و گاهی مبتذل مشاهده کرده‌ایم؟ حتی می‌توان گفت بلبشوی ساختاری و عدم اصلاح ساختاری کارآمد برای بخش‌های مختلف و عدم سازماندهی ساختار پیشرو حتی در ارتباط با تأمین نیازهای حکمرانی انقلابی -اسلامی مشاهده می‌شود؟

تحرك نوین در سریال سازی

ساختار سریال سازی فقط در دوره مدیریت اخیر است که تحرك نوینی در مسیر بناکردن ساختی کارآمد پیدا کرده و سریال سازی به سه بخش مختلف وانهاده شده تا هر بخش کار تخصصی خود را درست انجام دهد و البته باید دید در اجرا چقدر موفق عمل می‌کنند. جدا کردن کار سیما فیلم از کار نهاد تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و تصویب فیلمنامه می‌تواند به تجربه مثبتی برای ساماندهی اتاق فکر و حکمرانی هوشمندانه برای تشخیص نیازهای استراتژیک منجر شود. این نکته‌ای است که من بارها درباره ضرورتش نوشتم و اتفاقاً آخرین بار هم دوسال و هم سال پیش طی مقالاتی ضرورتش را فراتر از رفتار محفلی توضیح دادم و نشان دادم چه مدمات عظیمی



گیشه مذموم؛ مخاطب محمود!!

احتمالاً در جریان جنجال‌های چند روز گذشته فضای سینما پیرامون فیلم‌های در حال اکران هستند، اگر هم نیستند حتماً با آن برخورد کرده‌اید ولی بی‌تفاوت از کنار آن گذشته‌اید، چون که این کشمکش‌ها دیگر از فرط تکرار مکررات، پیش‌یافته‌ها و مبتذل شده است. قرار نیست به خبر این قضایا بپردازم، بلکه مقصود طرح موضوع مهمی مانند تمایز رونق گیشه سالن سینما و پرتماشاگردن فیلم‌هاست. این‌که اطلاق فیلم گیشه‌ای ناپسند و نوعی توهین است، ولی پرتماشاگردن یک فیلم، اعتبار و سرمایه تلقی می‌شود، مربوط به این سال‌ها نیست و اتفاقاً از طول تاریخ سینمای آید و دلش هم برخی باندبازی‌ها و دورزدن‌ها تا گرفتن اکران و سپس دست به اقدامات ناپسند در مقطع اکران از سویی است و تقابل و جنجال از سوی دیگر که مثلاً تبلیغی برای فیلم‌ها شود و.... هیچ‌وقت هم این به اصطلاح افشاگری‌ها و به‌هم‌پردیدن‌ها در نهادهای صنفی و قانونی مورد رسیدگی و منتج به نتیجه نشده است و گرنه وقتی به آسانی می‌شود ادعای خرید فله‌ای بلیت سالن‌ها برای نگه داشتن فیلم روی پرده را ثابت کرد یا برعکس اگر اتهام است، گوینده را بازخواست کرد، چرا انجام نمی‌شود خود موضوع قابل بررسی است. همواره در مذمت گیشه و فیلم گیشه‌ای گفته و نوشته شده است، حتی استفاده از فیلم گیشه‌ای وارد ادبیات محاوره‌ای تماشاگران انبوه هم شده است. یعنی آثاری که برای مخاطبان انبوه ساخته شده است بعضاً از سوی آنان با عنوان گیشه‌ای مورد نقد قرار گرفته و سازندگان‌شان مورد عتاب و سرزنش قرار گرفته‌اند. چرا؟ گیشه داشتن و فروش بالای فیلم قاعدتاً باید مایه مباحثات و خوشحالی باشد اما در این فقره فرق می‌کند چون که دقیقاً وقتی فیلمی نازل در اجرا و بی‌مایه در محتواست از آن تحت عنوان فیلم گیشه‌ای یاد می‌شده و می‌شود. وجود آدم‌هایی نه از جنس سینما (و قبل‌تر از آن نه از جنس هنر) در عرصه تولید فیلم، شعبه‌ای ایجاد کرده بودند (و هستند) که همانند دیگر بنگاه‌های اقتصادی مبتنی بر سود به هر قیمتی، فقط به فکر جیب‌شان بودند و لذا در بدنه فیلم‌فارس‌ی برای فروش بیشتر، از مقطع تولید تا اکران دست به هر جنگولک‌بازی می‌زدند مثلاً برای فروش فیلم‌های وارداتی بنجل‌شان در موقع پخش صحنه‌های رقص کافه‌ای مونتاژ می‌کردند یا در میانه فیلم‌های ساخته خودشان که ضعیف بود صحنه‌های رقص عربی وصله می‌کردند و از این دست اقدامات تا نفوذ در جریان شبکه نمایش، صله دادن و رشوه‌گرفتن، طراحی پوستر میبالغه‌آمیز، آونش‌های غیرواقعی، شایعه‌سازی و پشت‌هم‌اندازی تا بلکه با این تمهیدات فیلم‌های‌شان فروش کند که بعضاً موفق هم می‌شدند. خصوصاً اگر جریانات روشنفکری در کنارشان قرار می‌گرفتند مثلاً برای‌شان فیلمنامه می‌نوشتند، پیشنهاد ابتذال بیشتر در گرایش محتوایی می‌دادند، تیتر و موضوع سخنرانی جنجالی و مصاحبه می‌ساختند و... بی‌تردید فیلم‌هم‌مانند هر کالای دیگری در جهان متکثر کنونی نیازمند تبلیغات است. هر نوع معرفی خلافتانه و ترغیب‌کننده مخاطب برای فیلم قابل تأیید و حمایت است ولی در روندی معمول، پشت فیلم‌های گیشه‌ای افراد (تهیه‌کنندگان) ی بودند و هستند که با اندیشه و خلاقیت فاصله داشته و حتی به لحاظ ریخت‌شناسی و بیان، اساساً متعلق به محیط فرهنگی نبوده و نیستند، برای همین فیلم را «نون دونی» می‌دانند و فرقی میان فروش خودرو و فیلم قائل نیستند، محمد خراعی، رئیس سازمان سینمایی، چند روز قبل در هرمزگان به درستی از شعار اخلاق و هویت سینمای ایران گفت. اخلاق تنها در محتوا و گرایش مضمونی فیلم‌ها تجلی نمی‌یابد بلکه یک روی سکه آن در پشت صحنه و مرادفات قیامیبن اهمیت پیدا می‌کند. تردید نکنید که بی‌اخلاقی‌های اکران عصری قابل تعمیم به مضامین آثار است چون سرچشمه نشر آنها یکی است، هفته آینده درباره هویت خواهیم نوشت.